



۴۰۰ شاعری که در خاک سرخاب غریب مانده اند/مقبره ای در حصار نرده ها

مقبره الشعراى تبریز آرامگاه بیش از ۴۰۰ شاعر و ادیب معروف ایرانی است؛ مکانی که از سال ها پیش در حصار نرده ها قرار گرفته است.

مقبره الشعراى تبریز آرامگاه بیش از ۴۰۰ شاعر و ادیب معروف ایرانی است؛ مکانی که از سال ها پیش در حصار نرده ها قرار گرفته است.

خبرگزاری مهر، گروه استان ها- فائزه زنجانی: شاید باورش سخت باشد اما اینجا مدفن بیش از ۴۰۰ شاعر و عارف ایرانی است. شعرا و عرفایی که تک تکشان وزنه های سنگینی هستند در ترازوی ادب و فرهنگ ایران زمین بودند، شاید نام سیدمحمدحسین بهجت تبریزی، کافی باشد برای اعتبار این بنا اما شهریار شیرین سخن در مقبره الشعراى تبریز تنها نیست.

اسدی طوسی، قطران تبریزی، خاقانی شروانی، همام تبریزی، ظهیر الدین فارابی و صدها شاعر نامی دیگر در این فضا جای گرفته اند؛ شعراى که نام و اعتبار هر کدام کافی بود تا مدفن هر یک از آنها به موزه، بناى تاریخی و جاذبه گردشگری شهر تبدیل شود اما چند سالی می شود که زور و اعتبار تمامی ۴۰۰ نامی و شاعر ایران به حصارها و نرده های اطراف مقبره الشعرا و بناىی که در میان خاک ها گم شده، نرسیده است.

«دفن شدن در کوی سرخاب از دیرباز آرزوی بسیاری از بزرگان بوده است.» این را تاریخ شناسان و کارشناسان این حوزه می گویند. همین آرزوها سبب می شود تا شعراى زیادی این محل قدیمی را برای زندگی برگزینند و به دفن شدن در این محل افتخار هم کنند. مقبره الشعراى تبریز نیز در سال ۱۳۵۰ به عنوان بناى یادبود شعرا و عرفای مدفون، در دل همین سرخاب ساخته می شود.

نرده های رنگی بهترین نشانه برای یافتن مقبره الشعرا

در میان پارک به دنبال تابلو و نشانه ای هستم تا ردی از مقبره الشعرا را نشانم دهد. جلوتر می روم و به نرده های سفید و آبی نزدیک تر می شوم و همین ها برایم به بهترین نشانه برای این بناى بزرگ تبدیل می شوند.

«به طرف مقبره الشعرا»؛ به دنبال همین عبارتی که بر روی بلوک های رنگی نقش بسته، می روم و با خود می اندیشم چسباندن تعدادی پوستر از مشخصات شعراى دفن شده بر روی نرده و بلوک ها حداقل کاری بود که می شد انجام داد تا گردشگران و بازدیدکنندگان را مشغول دیدن خود کند و غافل از حصارهای رنگی. پوسترهایی که چندی پیش بر این بلوک ها نقش بسته بودند اما حالا خبری از آنها نیست.

فضای بیرونی مقبره الشعرا را با نرده ها و حصارهایی مسدود و بر رویش قفلی زده اند. قفلی که به بازدیدکنندگان می گوید، به همین زودی ها، نخواهند توانست فضای بیرونی بنا را از نزدیک ببینند و عکسی به یادگار با محوطه بیرونی مقبره الشعرا بیندازند و به این ترتیب سهمشان تنها راهرویی محصور شده است که آنها را به ورودی داخلی بنا راهنمایی می کند و به این ترتیب باید خیال عکاسی و عکس یادگاری را از سر بیرون کرده و به محوطه داخلی بسنده کنند.

حتی تبریز ۲۰۱۸ هم زورش به نرده و خاک ها نرسید

مقبره الشعراى تبریز در حالی که یکی از نمادهای شهر تبریز محسوب می شود، سال های سال است که طعم غفلت و بی توجهی ها را چشیده و بهانه های مختلف همچون ایام نوروز، تعطیلات تابستان، فصل گردشگریپذیر و حتی تبریز ۲۰۱۸ هم نتوانسته آن را نجات دهد.

از همان ابتدا که طرح پیشنهادی برای ساخت این یادبود مطرح شد، قرار بر ایجاد یک پردیس فرهنگی تمام عیار برای برو و بیای اهالی فرهنگ و دوستداران ادب و هنر بود، رویایی که مقبره الشعرا، سال های سال است که در انتظار تحقق آن به سر می برد.

ارگان های مختلفی مسئولیت بازسازی و احیای این بنا را از زمان ساخت، عهده دار بوده اند و طرح های ساماندهی فراوانی در طول این سال ها کلید خورده اما هیچکدام به نتیجه خاصی منجر نشده بود تا اینکه سال ۹۳ رسماً این وظیفه به دوش شهرداری تبریز گذاشته می شود؛ هرچند این امر هم تفاوتی به حال این بنای ارزشمند نکرده و وضع به منوال سابق باقی می ماند.

راهروی محصور شده را طی می کنم تا برسم به فضای داخلی بنا. داخل که می شوم، چند نفری در حال قدم زدن در فضای مقبره الشعرا هستند و یکی، دو نفر هم آرامگاه شهریار را به عنوان بهترین مکان برای ثبت عکس یادگاری خود انتخاب کرده اند. اما تعداد بازدیدکنندگان متناسب با بنایی در حد و اندازه نام ۴۰۰ نامی ایرانی نیست.

«اوضاع مقبره الشعرا چرا تغییر پیدا نمی کند؟» سوالی که یکی از بازدیدکنندگان وقتی خود را به عنوان خبرنگار معرفی می کنم، از من می پرسد و در این میان خودم نیز مشتاق هستم تا مسئولی را به عنوان مخاطب پیدا کنم و دقیقاً همین سوال را از وی بپرسم.

مسئولانی که وعده هایشان را هم با خود برده اند

پروژه مقبره الشعرا تبریز همانند بیشتر پروژه های عمرانی و البته شاید همانند تمامی آنها یادگاری های فراوانی از وعده های مسئولان دارد و در طول سالیان گذشته، مسئولان زیادی راه خود را به سمت این بنا کج کرده و در مقابل خبرنگاران، وعده تکمیل و بازسازی بنا را تا نوزده و تابستان داده اند؛ نوزده و تابستانی که چندین سال از آن گذشته است و هم اکنون مسئولین وعده دهنده از شهر تبریز رفته و وعده هایشان را هم با خود برده اند.

به دنبال سوال می گوید: «دو سال پیش برای اولین بار برای بازدید به این فضا آمده بودم و چون می دانستم آرامگاه استاد شهریار و بسیاری از شعرا در اینجا قرار دارد، انتظار داشتم فضایی شبیه حافظیه را ببینم، جایی شلوغ که دوست داران فرهنگ و هنر در آن در حال رفت و آمد هستند اما از آن زمان تفاوتی در محوطه و فضای بنا ایجاد نشده است.»

مقبره الشعرا؛ مکانی که شایستگی مطرح شدن به عنوان «نماد فرهنگی ایران» را داشته و دارد چرا که اگر بناهای دیگر تنها آرامگاه یک شاعر و یا یک عارف و نامی ایران زمین باشد، اینجا گنجینه ای از این نام آوران را در خود جای داده است. البته به شرطی که مسئولان شهری، استانی و حتی کشوری وارد عمل شده و این بار بدون هیچ وعده و وعید و خوب جلوه دادن اوضاع در مقابل دوربین های خبری، تنها به فکر راه چاره باشند.